توصیف موت به «ال غائب اقرب من الموت»

حدیث بیست و هفتم، صفحه هفتاد و چهار بودیم. جلسه قبل به اینجا رسیدیم که فرمودند: «والغائب أقرب من الموت»[1]. فقره بعدی این بود:

> **«أيها الناس إنه من مشى على وجه الأرض فإنه يصير إلى بطنها ، والليل والنهار مسرعان في هدم الأعمار ، ولكل ذي رمق قوت ، ولكل حبة آكل ، وأنتم قوت الموت ، وإن من عرف الأيام لم يغفل عن الاستعداد ، لن ينجو من الموت غني بماله ولا فقير لا قلاله»[2].**

[خب، رسیدیم به] تعبیر «ال غائب اقرب من الموت». به طور کلی، خوب است که راجع به موت و موعظه‌ها و حکم و معارفی که در آن است، با توجه به این که مباحث ما مباحث روایت است، از کت دیگر و از روایات دیگر هم، بحث کنیم. شما هم ان شاء اللّه پی آن را میگیرید و آن را گسترده‌تر میکنید.

تعبیر «الغائب اقرب من الموت» را که دیدم، یاد جمله و فقره‌ای از تعقیب نماز ظهر از کتاب «فلاح السائل» افتادم. این کتاب، از کتابهای خوب مرحوم سید بن طاووس است. اقبال سید، مربوط به اعمال السنة است. ماهها را بیان کرده است. کتاب جمال الاسبوع، در خصوص روزهای هفته است. به ازای ماههای سال، این کتاب برای روزهای هفته است. کتاب فلاح السائل مربوط به کارهای شبانه‌روزی است؛ عمل الیوم و اللیلة است. در یک شبانه‌روز، چه کار کنیم؟ چه عملهای بزرگی بودند! چه سلایق و چه کارهایی کرده‌اند. این سه کتاب برای سید رضوان اللّه تعالی علیه است و باز هم کتابهای زیادی دارند.

در فلاح السائل دو-سه تعقیب عالُ‌العالم، از حضرت صدیقه کبری سلام اللّه علیها آمده است. در تعقیب نماز ظهری که سید آورده‌اند، مضامین بسیار عالیای دارد؛ هم فهم و هم مراجعه به آن را، به محضر خودتان ارجاع میدهم تا نگاه کنید. فرمودند:

> **«و من المهمات عقيب الخمس الصلوات ما كانت الزهراء فاطمة سيدة نساء العالمين عليها السلام، تدعو به فمن ذلك دُعَاؤُهَا عَقِيبَ فَرِيضَةِ الظُّهْرِ وَهُوَ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ... وَالرَّاحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ أَنْتَظِرُهُ وَخَيْرَ مَطْلَعِ يَطْلُعُ عَلَيَّ وارزقني عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَعِنْدَ نُزُولِهِ وَفِي غَمَرَاتِهِ وَحِينَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ التَّرَاقِي وَحِينَ تَبْلُغُ الْحُلْقُومَ وَفِي**

> حالِ خُرُوجي مِنَ الدُّنْيا وَ تلْكَ السّاعَةَ الّتي لا أَمْلِكُ لِنَفْسي فيها ضَرّاً وَ لا نَفْعاً وَ لا شِدَّةً وَ لا رَخاءً وَ حاً مِنْ رَحْمَتِكَ...»[3].

«وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غائِبٍ أَنْتَظِرُهُ»؛ در آنجا فرمودند: «ال غائب اقرب من الموت».

«وَ خَيْرَ مَطْلَعِ يَطْلُعُ عَلَيَّ»؛ موت بالا بیایی و از عالم دیگر تجربه شود. بهترین چیزی آن باشد. این خیلی جمله مهمی است.

«وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غائِبٍ أَنْتَظِرُهُ»؛ انتظارش را میکشم. گویا ذیل آیه شریفه «قُلْ يا أَيُّهَا الَّذينَ هادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِياءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ [4] تذکر خوبی در کتابهای علماء آمده است. فرموده بودند: آیه نفرموده است: «ان زعمتم انّکم اولیاء للّه فلا تخافون الموت»؛ نفرموده است که از موت نترسید؛ بلکه ترسیدن که هیچ، اگر از اولیاء اللّه هستید: «فتمنوا الموت»؛ یعنی لازمه اولیاء اللّه بودن، آرزوی موت است. خیلی تعبیر زیبایی است.

این جمله از روایت هم، موافق با آیه شریفه است. حضرت سلام اللّه علیها همین دعا را میفرمایند. دعای تمنی است: «وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غائِبٍ أَنْتَظِرُهُ». نه اینکه «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلاقيكُمْ»[5]؛ برای آنها میگوید فرار میکنید. در اینجا میفرمایند: نه تنها فرار نباشد، بلکه منتظر هستند که بیایید.

---

[1]. شیخ صدوق، التوّحید، ج ۱، ص ۷۴.

[2]. همان.

[3]. سید بن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل، ج ۱، ص ۱۷۳.

[4]. الجمعة، آیه‌ی ۶.

[5]. همان، آیه‌ی ۹.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 نوامبر 2024 14:57:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 نوامبر 2024 15:47:05 توسط ... .